

این مرد سر اجساد پسر خوانده و عروستش را برید

# محاكمه پدر خوانده در فجييع ترين قتل پاي تخت



تهران محاکمه خواهد شد.

**جمجمه های سوخته**

مرداد ماه سال گذشته خبر تکان دهنده پیدا شدن دو سر بریده در زمینی خالی فنس کشی شده در خیابان شیخ بهایی تهران به پلیس اعلام شد. ماموران در محل حاضر شدند و مشخص شد سرهای پیدا شده متعلق به زن و مردی حدود ۳۰ تا ۴۰ ساله است که با شلیک گلوله به سرشان کشته شده و قاتلان برای شناسایی نشدن هویت این زن و مرد جوان اقدام به سوزاندن آنها کرده بودند.

**سرنخی در دوربین ها**

پلیس در نخستین گام از تحقیقات به بررسی تصاویر دوربین های مدار بسته محدوده محل کشف سرهای برید پرداخت و موفق به شناسایی یک ماشین

**گروه حوادث:** مردی که پسر خوانده و عروستش را کشته و سرشان را بریده بود می گوید از این جنایت فجیع

**خبر**

در گفت و گو با توسعه ایرانی مطرح شد

## اعترافات موزیسین به سرقت های خاص پایتخت

**گروه حوادث:** مرد شیشه ای در سناریوی جدیدی پس از مصرف مواد مخدر اقدام به سرقت آرم های مختلف خودروهای لوکس در شمال تهران می کرد.

**آرم های ماشین های لوکس**

نیمه شب جمعه ۷ دی ماه سال جاری در گشت زنی های شبانه ماموران کلانتری گیشا به یک مرد جوان مشکوک شدند. ماموران در این صحنه مرد جوان را دستگیر و در بازرسی از کیف کوله پشتی مرد جوان آرم های خودروهای مختلف زیادی به دست آوردند و همین کافی بود تا مرد ۳۹ ساله بازداشت شود.

بدین ترتیب با دستور قضایی مخفیگاه مرد جوان مورد بازرسی قرار دادند و در بررسی از داخل یکی از مبل های خانه مرد جوان آرم های زیادی از خودروهای مختلف و لوکس بنز و بی ام.و به دست آمد.

متهم ادعا کرده است به خاطر اعتیادش از ۲ ماه قبل شروع به سرقت کرده آرم های خودروها در سطح شهر تهران کرده است.

برخی از این آرم ها تا ۲ میلیون تومان نیز ارزش دارد و متهم در کل به سرقت ۱۳۵۰ آرم خودرو و اعتراف کرده که مبلغ ریالی آن ۱۲۰ میلیون تومان می شود.

متهم در زمینه فروش اموال ادعا می کند آنها را از طریق سایت دیوار به فروش می رسانده و از عمل خود نیز به شدت

**پلیس تهران فاش کرد**

## آتش سوزی کینه جویانه در سر چشمه تهران

**گروه حوادث:** جوان کینه ای وقتی دید هم صنفی اش با استفاده از مشتریان قدیمی او به کارش رونق داده در اقدام عجیب اقدام به آتش زدن چاپخانه کرد. ساعت ۹ شامگاه پنجشنبه ۱۵ آذر ماه سال جاری حادثه آتش سوزی در یک چاپخانه در چهارراه سر چشمه به سازمان آتش نشانی و ماموران کلانتری ۱۱۳ بازار مخابره شد. خیلی زود تیم های امدادی در محل حادثه حاضر شدند و موفق به خاموش کردن آتش چاپخانه شدند که در ادامه تیم کارشناسی آتش نشانی در بررسی هاز عمدی بودن این آتش سوزی خبر داد.

**تحقیقات پلیسی**

بدین ترتیب تیمی از ماموران اداره ۱۶ پلیس آگاهی تهران به دستور باز پرس پرونده برای شناسایی عامل این آتش سوزی عمدی وارد عمل شدند و کار آگاهان در گام نخست به سراغ دوربین های مدار بسته نزدیک محل حادثه

رفتند. کار آگاهان در بررسی ها مشاهده کردند پسر جوانی با پوشاندن صورتش و سوار بر یک موتور سفید آپاچی به نزدیکی چاپخانه مراجعه کرده و سپس با ریختن مواد آتش ز آقدام به آتش زدن چاپخانه کرده است. ماموران در ادامه پی بردند که مستاجر جدیدی در این چاپخانه مشغول به کار شده است و مرد مستاجر نیز در تحقیقات پلیسی اعلام کرد که با هیچ کسی اختلاف و دشمنی ندارد.

**مظنون اصلی**

کار آگاهان در ادامه تجسس ها پی بردند که پسر مستاجر قبلی چاپخانه که امیر حسین ۳۰ ساله است یک موتور آپاچی سفید رنگ دارد و همزمان با حادثه آتش سوزی از خانه شان در منطقه مسعودیه خارج و به شهر های شمالی کشور رفته است. تیم جنایی پلیس آگاهی تهران در ادامه تحقیقات عملیات دستگیری تنها مظنون پرونده را که همان امیر حسین است

لنדרور شدن که ساعاتی قبل از کشف سرها در نزدیکی محل توقف داشت و دقیقی پس از پیاده شدن راننده از خودرو، آتش در محل کشف سرها شعله ور شد. با به دست آمدن این سرنخ پلیس تمرکز اصلی خود را روی صاحبان خودروهای لنדרور متمرکز کرد.

**شکایتی نبود**

در شرایطی که هیچ شکایتی در مورد ناپدید شدن زن و مرد جوان به پلیس نرسیده بود فرضیه وقوع جنایت خانوادگی قوت گرفت و ماموران در ادامه تحقیقات خود قسمت های دیگری از بقایای جسد زنی را در کهریزک کشف کردند که مشخص شد متعلق بدن یکی از مقتولان پرونده است.

**زن و شوهر**

در ادامه تحقیقات ماموران موفق به شناسایی مردی ۷۵ ساله ای در منطقه امیرآباد شدند که بر اساس اظهارات همسایه ها با همسر، پسر و عروستش زندگی می کرد، اما از چند روز پیش و به صورت ناگهانی پسر و عروستش به نام های بهرام ۲۸ ساله و نسرين ۳۵ ساله ناپدید شده اند.

**اعتراف مرد ساواکی**

با این سرنخ پلیس به تحقیق بیشتر پرداخت و در یافت این مرد صاحب یک

دستگاه خودروی سواری شاسی بلند مشابه خودرویی که در تصاویر دوربین های مدار بسته کشف شده بود، است. به این ترتیب مرد ساواکی با داشتن شدو پرده از جنایت فجیع پر داشت. وی گفت: من از ماموران سابق ساواک هستم و به تنهایی بهرام و همسرش را کشته ام.

**پسر خوانده**

وی ادامه داد: من و همسرم بچه دار نمی شدیم. بهرام، خواهرزاده همسرم بود که او را به خانه مان آورده و بزرگ کردیم. بهرام فرزند خوانده ام بود و من و همسرم او را دوست داشتیم تا اینکه مدتی قبل معتاد شد. او شیشه و کراک می کشید و تلاش من و همسرم برای ترک دادن او بی نتیجه ماند. او قالی، طلا، نقره، و وسایل زینتی و هر چیزی را که در خانه قابل فروش بود، می برد و می فروخت تا با آن مواد بخرد. از چند روز پیش از جنایت تنش و درگیری بین ما بیشتر شد. طوری که بهرام حتی همسرم را کتک زد. به همین دلیل همسرم را به خانه خواهرش فرستاد و با بهرام و همسرش در خانه تنها شدیم. همان روز بهرام دوباره شروع به فحاشی و شکستن در کرد. از رفتارش خسته شده بودم. سلاح شکاری را که در خانه داشتم و در یک لحظه به سر او شلیک کردم. زن بهرام با شنیدن صدای

تیراندازی به سالن آمد که گلوله ای به سینه اش شلیک کردم. او داخل اتاق رفت و روی تخت افتاد. داخل اتاق رفتم و تیر دوم را هم به سرش شلیک کردم. وی در باره مثله کردن جسد هانیز گفت: بعد از قتل جسد ها را به حمام بردم و به دنبال راهی برای خارج کردن آنها از خانه بودم. باره برقی که در خانه داشتم، اجساد طی دو شبانه رو تکه تکه کنم. هر روز بخشی از جسد ها را باره می بریدم و از خانه خارج می کردم. بقایای جسد را در نقاط مختلف تهران داخل سطل های زباله رها می کردم. سرها را هم برای این که شناسایی نشوند در محوطه خاکی در خیابان شیخ بهایی سوزاندم.

وی گفت: بهرام و همسرش زندگی ما را سیاه کرده بودند دیگر تحمل کارهایشان را نداشتم و اصلا از کارم پشیمان نیستم. من بهرام را مانند فرزند خود دوست داشتم. همسر بهرام بیشتر از او مقصر بود. او باعث شد تا پسرم معتاد شد. من چهار مدرک لیسانس دارم و زندگی خیلی خوبی داشتم اما بهرام و همسرش زندگی ام را تباہ کردند. پرونده این جنایت تکان دهنده دیروز با صدور کیفرخواست به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا به زودی به آن رسیدگی شود.

**اخبار حوادث**

**خود کشی مدیر عامل یک شرکت با وصیت نامه ای**

مدیر یک شرکت حمل و نقل عمومی به خاطر سرقت ۷ میلیاردی از شرکتش دست به خودکشی هولناک زد.

ساعت ۲۲:۳۰ دقیقه شنبه ۸ دی ماه سال جاری کشف جسدی در یک خانه مسکونی در منطقه نارمک تهران به اداره ۱۰ ویژه قتل و تیم تشخیص هویت پلیس آگاهی تهران اعلام شد. با حضور کارآگاهان پلیس آگاهی تهران بزرگ در محل کشف جسد و بررسی صحنه، مشخص شد مردی ۵۰ ساله که مدبرعامل شرکتی خصوصی در زمینه حمل و نقل عمومی نیز بوده با شلیک یک تیر از سلاح شکاری به ناحیه سر خود، به زندگی اش خود پایان داده است.

در بررسی صحنه کشف جسد دست نوشته ای از مقتول کشف شد که در آن نوشته شده بود که به خاطر سرقت بیش از ۷ میلیارد تومان از اموال شرکتش اقدام به این کار کرده و در پایان دست نوشته اش نیز تعداد از افراد را به عنوان متهمان این سرقت ۷ میلیارد تومانی معرفی کرده است.

**پسر ۱۸ ساله کر جی یک شبه میلیونر شد**

فرمانده نیروی انتظامی البرز از شناسایی و دستگیری هکری ۱۸ ساله در ساوجبلاغ خبر داد. سردار عباسعلی محمدیان اظهار کرد: در دنبال دریافت گزارشی مبنی بر برداشت مبلغ ۳ میلیون تومان از حساب یک شهروند ساوجبلاغی، موضوع به صورت ویژه در دستور کار قرار گرفت. با پیگیری های پلیس و کسب دستور قضایی حساب های اشخاصی که پول شاکي به حساب آنها وارز شده بود، مسدود شد.

وی افزود: در تحقیقات بیشتر مشخص شد که شخصی ناشناس در قالب آگهی فروش «ایکس باکس» در یک برنامه با شیوه های خاص حساب های متقاضیان راهک می کرد. محمدیان خاطر نشان کرد: با بررسی اطلاعاتی پلیس فقامت این فرد در تهران شناسایی شد، وی ابتدا منکر داشتن سیم کارت و هرگونه برداشت وجه از متقاضیان شد. سرانجام این فرد اعتراف کرد که دوستانش خریدها را انجام داده و وی فقط مسئولیت تحویل به مشتریان در خیابان را بر عهده داشته است.

وی گفت: با حکم نیابت قضایی منزل این فرد مورد بازرسی قرار گرفت که تعداد قابل توجهی تجهیزات رایانه ای، مخابراتی، تلفن همراه و وسایل دیگر کشف شد. در بررسی اولیه از سیستم رایانه ای متهم چندین برنامه هک کشف شد. این فرد در نهایت به هک کردن حساب های مشتریان و ساخت یک درگاه جعلی برای فریب طعمه ها و دسترسی به حساب های دیگر اعتراف کرد.

رئیس پلیس البرز گفت: پرونده این هکر تاکنون ۲۰۰ شاکی از استان های تهران و البرز داشته که بیش از ۴۰۰ میلیون تومان از حساب آنها برداشت شده است. متهم دستگیر شده در اختیار مراجع قضایی قرار گرفت.

**بخش ۱۳ اعدامی در یک قدمی چوبه دار**

۳ نفر از محکومان به قصاص نفس در شهرستان گنبد، در یک ماه گذشته از چوبه دارهایی یافتند. به گزارش رکننا، به همت تلاش های اعضای شعبه ۱۱ صلحی شورای حل اختلاف گنبد کاووس استان گلستان و پس از برگزاری جلسات متوالی اولیه دم ۳ مقتول از حق قانونی و شرعی خود گذشتند و رضایت بدون قید و شرط خود را اعلام کردند.

معاون قضایی رئیس کل دادگستری و رئیس شوراهای حل اختلاف گلستان با اشاره به این سخن امام علی (ع) که عفو و گذشت سبب جلب رحمت الهی می شود، گفت: قطعاً قصاص حق اولیا دم است، اما بخشش و گذشت نیکوتر است و لذتی که در گذشت است در انتقام نیست.

**ضرب و شتم رئیس آگاهی رضوانشهر**

افراد ناشناس با چاقو به رئیس پلیس رضوانشهر حمله کردند. ساعت ۲۲ شنبه ۸ دی ماه سال جاری ۳ خودرو پژو ۴۰۵ مشکی در جلوی خانه رئیس آگاهی رضوانشهر توقف و با چاقو به سمت خانه رئیس آگاهی رضوانشهر حمله کرده است که پس از دفاع از خود خانواده اش وی با ضربات چاقو زخمی شد. در ادامه، گروه ناشناس از صحنه متواری و مردم با آگاه شدن از این اتفاق یک نفر از آن ها را دستگیر و رئیس آگاهی را به اورژانس منتقل کردند که بعد از دقیقی نیروی انتظامی وارد صحنه شد.



و جدان نجات پیدا کنیم، همه آرم های را که داخل یک مبل جاساز کرده بودم تحویل ماموران دادم.

**روزی چند آرم سرقت می کردی؟**

نمی دانم، وقتی از یک خیابان تا انتهای خیابان بروی، بالای ۱۰ آرم خودرو می توانی سرقت کنی.

**حرف آخر؟**

پشیمانم، من آهنگساز و تنظیم کننده بودم و ۱۲ ساز مختلف را می نوازم و از روی بدبختی کارم به اینجا رسید.

**بسیار خواننده های خاصی آهنگسازی کردی؟**

کسی نیست که من را در دنیای هنر شناسد و برای همه خواننده های مطرح آهنگسازی کردم.

بنا به این گزارش، مرد جوان برای تحقیقات بیشتر در اختیار ماموران پلیس تهران قرار دارد.

از جاهای دیگر پول می رسید به همین خاطر آنها را نگه داشتم.

**پس چرا دوباره دزدی کردی؟**

مواد می کشیدم و دست خودم نبود، روی عادت همیشگی این کار را می کردم.

**شنیدم قصد فروش آرم ها در سایت دیوار را داشتی؟**

دروغ ندارم بگویم، ۲ بسار برای فروش در سایت دیوار آگهی کردم اما ترسیدم. چرا؟

چون بعضی از آرم ها به قیمت یک میلیون خریداری می شد و ترسیدم دستم رو شود و من اینکاره نبودم.

**دستگیر نمی شدی به سرقت هایت ادامه می دادی؟**

نه، تصمیم داشتم دیگر دزدی نکنم.

**آرم ها را کجا نگهداری کرده بودی؟**

وقتی دستگیر شدم و با ماموران به خانام رفتم، برای اینکه خیالم راحت شود و از عذاب



در دستور کار خود قرار دادند.

تجسس های پلیسی ادامه داشت تا اینکه روز شنبه ۸ دی ماه سال جاری ماموران پی بردند که امیر حسین به خانه شان در منطقه مسعودیه بازگشته است، همین کافی بود تا عملیات دستگیری به دستور باز پرس شعبه ۱۳ داسرای ناحیه ۱۲ تهران کلید زده شود و امیر حسین در عملیات پلیسی دستگیر شد.

امیر حسین ابتدا خود را بیگناه می دانست اما وقتی در برابر مدارک و تصاویر دوربین مدار بسته قرار گرفت به ناچار لب به سخن باز کرد.

پسر جوان در اعترافاتش گفت: سالها من، برادر و پدرم